

کیمیای فرهنگ در «فرهنگ کیمیا» بهاءالدین خرمشاهی

شادروان کریم امامی (شیراز ۱۳۰۹ - تهران ۱۳۸۴ ش) از فرهیختگان، فرهنگ‌پروان و فرهنگ‌نگاران برجسته و اثرگذار عصر جدید است، که بیش از نیم قرن از زندگانی پربار و برکت خود را وقف کوشش‌های علمی کرد.

دانشنامهٔ دانش‌گستر او را چنین معرفی کرده است: «مترجم، فرهنگ‌نویس، ویراستار، کارشناس هنری و منتقد ایرانی. از پیش‌گامان نقد علمی در ایران و برندهٔ لوح سپاس ...». آنچه در این معرفی به آن اشاره نشده مدیریت نشر است. اگرچه در ادامهٔ همان مقالهٔ یک ستونی چنین آمده است:

... وی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۷ نویسنده و مترجم نشریهٔ انگلیسی زبان کیهان‌نشال و از ۱۳۴۷ نیز با عنوان سرویراستار همکاری خود را با انتشارات فرانکلین آغاز کرد که این همکاری تا ۱۳۵۳ ادامه یافت. از این سال نیز تا ۱۳۵۷ به عنوان مدیر عامل انتشارات سروش فعالیت کرد. او در سال ۱۳۶۰ انتشاراتی و کتاب‌فروشی سروش را به کار انداخت که به سبب حضور این مترجم و کتاب‌شناس و ویراستار صاحب‌نظر، این کتاب‌فروشی پاتوق دوستداران کتاب و اهل فرهنگ و نظر شد. او و همسرش گلی امامی برای نخستین بار در چند دههٔ اخیر، [نشر] و نشریه‌ای به نام «زمینه» را راه‌اندازی کردند که به صورت دو هفته‌ای منتشر می‌شد و تا سال ۱۳۷۹ منتشر شد.

معرفی کتاب‌هایی که در این نشریه می‌آید، بسیار مختصر و مفید و روشن و روشن‌گر بود و گاه از طنز کمرنگ - و می‌دانید که: طنز کمرنگ بهترین طنز است - مادام‌العمر او نشانی در آنها بود. میانگین آن معرفی‌ها را می‌توان ۳ و حداکثر چهار سطر (ستونی) دانست. ادامهٔ این شیوهٔ شیرین معرفی کتاب(ها) را در کتاب‌گزاری‌های شیوای دوست کتاب‌شناس و کتاب‌پژوه

دیگرمان آقای فرخ امیرفریار در نشریه «جهان کتاب»، در نزدیک به دو دهه شاهد بوده‌ایم. ترجمه یکی دیگر از زمینه‌های کوشش و کار فرهنگی استاد امامی است. او، هم مترجم از انگلیسی به فارسی بود (گتسبی بزرگ؛ با خشم به یاد آر؛ انسان و فضا؛ ایرانیان در میان انگلیسی‌ها؛ ماجراهای شرلوک هولمز (۴ جلد)؛ هم از فارسی به انگلیسی (از جمله ترجمه جدیدی از رباعیات خیام، و منتخبی از اشعار سهراب سپهری و فروغ فرخزاد).

فرهنگ‌نگاری نیز از عمده‌ترین زمینه‌های فعالیت فرهنگی او بود. گویا یکی از فرهنگ‌های بزرگ یا کوچک انگلیسی-فارسی روانشاد سلیمان حیی‌م را، ابتدا برای دست‌گرمی و ویراسته باشد، سپس به فرهنگ‌نگاری فارسی-انگلیسی که کمتر کار شده، روی آورد که دو اثر از او در میان این گونه کم‌شماره از فرهنگ‌ها می‌درخشد. اول فرهنگ معاصر جیبی فارسی-انگلیسی. دوم که موضوع بحث اصلی در این مقاله است: فرهنگ معاصر کیمیا (فارسی-انگلیسی). نقد کتاب هم مانند معرفی کتاب‌های جدید انتشار، از جمله کوشش‌های ارجمند او بود. و دیگر که اخیر است و آخر نیست: ترجمه‌پژوهی یا ترجمه‌کاوی بود.

در این باب کتاب دو جلدی پربار و دیده‌گشای از پست و بلند ترجمه از مجموعه مقالات و مصاحبه‌ها و حتی کارگاه‌های ترجمه‌آموزی او فراهم و منتشر شده است که بنده در نگارش کتاب نسبتاً مفصل (۶۰۰ صفحه در قطع وزیری، نشر ناهید) در زمینه همه یا اغلب مسائل ترجمه از عربی/انگلیسی به فارسی که با عنوان ترجمه‌کاوی اخیراً منتشر شده، از آن کتاب بیش از هر کتاب دیگر سود برده‌ام. و از دوست دانشورم آقای عبدالحسین آذرنگ و خانم امامی سپاسگزاریم که در جمع تدوین و اصلاح و تصحیح جلد دوم این کتاب (از پست و بلند ترجمه) کوشیده‌اند.

این سومین مقاله‌ای است که در دو دهه اخیر درباره استاد کریم امامی نوشته‌ام. اولی و دومی، هر دو در نگاه نو چاپ شد. اولی درباره از پست و بلند ترجمه بود، و دومی درباره فرهنگ کیمیا که قلم‌انداز و کوتاه و معرفی‌گونه بود، و در آن وعده داده بودم که در اولین فرصت نقد نظری شایسته درباره آن مرجع ارزشمند خواهم نگاشت.

خوانندگان اهل نظر می‌دانند که بنده هم در حد خود، کم یا بیش سابقه و ممارستی در فرهنگ‌نگاری دارم: (۱) فرهنگ موضوعی قرآن کریم (با همکاری استاد کامران فانی) که همین ایام چاپ ششم یا هفتم آن از سوی نشر ناهید منتشر می‌شود. (۲) ویراستاری فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی (در ۲ جلد، یکی انگلیسی-فارسی، و دیگری فارسی-انگلیسی). این اثر به همت آقای محمدتقی اکبری و چهار نفر دیگر (از گروه ترجمه بنیاد پژوهش‌های اسلامی) تدوین شده و بنده آن را ویرایش کرده‌ام. (۳) ویراستاری فرهنگ



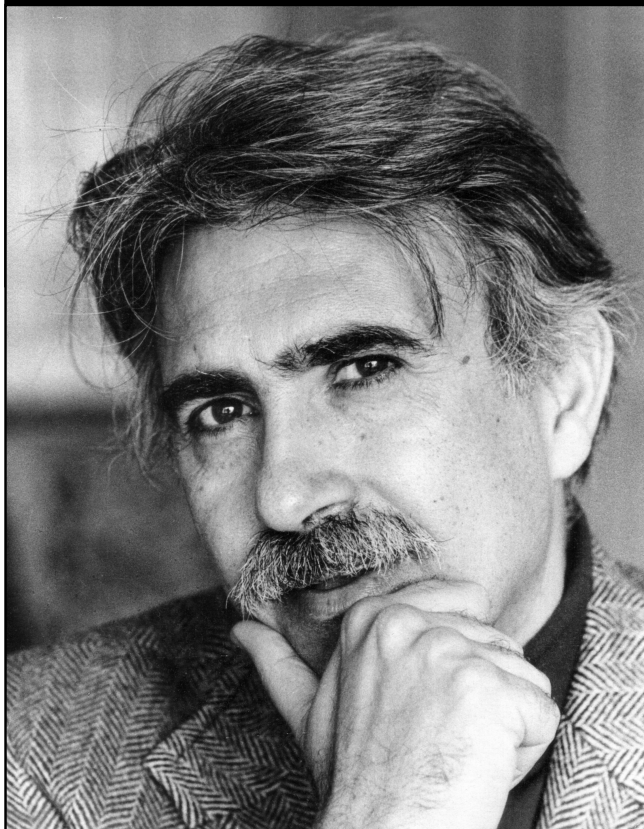
اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی تدوین خانم ماری بریجانیان، که ویراست جدید آن با افزایش واژه‌نامه‌های مبنا، که نزدیک به ۴۰۰ واژه‌نامه پایانی ترجمه‌های برتر در زمینه فلسفه و علوم اجتماعی و انسانی است، همین ایام (زمستان ۱۳۹۰) از سوی پژوهشگاه علوم انسانی انتشار یافته است. ۴) جمع و تدوین و ویرایش فرهنگ فرهیختگان، که فرهنگی موضوعی (انگلیسی-فارسی) است در بیش از ۵۰ رشته از فیزیک و شیمی و منطق و ریاضی گرفته تا هنر و فلسفه [هم غربی، و هم اسلامی] و کلام تا رشته جدیدی به نام

آینده‌پژوهی، تا یک کاسه کردن بیش از ۳۰ رشته مهندسی، تا علوم ورزشی، و دیگر بلیه عام اجتماعی یعنی اعتیاد که رشته جدید اعتیادپژوهی به آن می‌پردازد و در هر رشته در حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ و ۴۰۰ واژه/اصطلاح از صاحب‌نظران واژه‌پژوه - که غالباً با گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی همکاری دارند - گرفته شده و جمعاً ۱۶-۱۷ هزار واژه / اصطلاح است که موضوع به موضوع، در داخل هر موضوع: الفبایی، تنظیم شده با یک فهرست در هم آرایشی شده الفبایی انگلیسی، و همتای آن فارسی در پایان. این اثر در حال حاضر در دست آماده‌سازی و حروف‌نگاری است امید دارم تا نمایشگاه بین‌المللی کتاب در اردیبهشت ۱۳۹۱ ش. از سوی ناشرانش (نشر نگاه، نشر معین، و نشر شباهنگ) انتشار یابد. ۵) تألیف فرهنگ انگلیسی فارسی نسبتاً مفصلی که از یک دهه و نیم پیش آغاز کرده‌ام و پس از وقفه‌ای ۶-۷ ساله، این بار با همکاری سه فرهنگ‌نگار صاحب‌نظر و صاحب تجربه (آقای دکتر سعید حسامی، خانم عاطفه قنبری، و خانم تینا حمیدی) با دقت و اندکی هم سرعت، به خیر و خوشی پیش می‌رود، و اگر ان شاء الله با زمان‌بندی پیش‌بینی شده انجام گیرد در کمتر از یک سال (از اکنون، زمستان ۱۳۹۰ که بیش از دو سوم آن تألیف و حروف‌نگاری شده تا حداکثر اوایل زمستان ۱۳۹۱ آماده مراحل نهایی تولید، یعنی لیتوگرافی و چاپ خواهد شد). نام این فرهنگ، فرهنگ - دانشنامه کارا و در ۳ جلد - هر یک حدوداً هزار صفحه - با ۶-۷ فهرست و ضمیمه لازم و مفید خواهد بود.

اصولاً به واژه‌پژوهی و واژه‌نامه پژوهی تعلق خاطر بسیار دارم. کتاب از واژه تا فرهنگ که چاپ دوم آن نزدیک به انتشار است (نشر ناهید)، به همین گونه مباحث اختصاص دارد. همچنین چندین نقد و نظر بر فرهنگ‌های فارسی نوشته‌ام.

نوشته اخیرم در این زمینه، نقدی به فرهنگ هزاره تألیف روانشاد دکتر علی‌محمد

به هر صفحه و هر مدخل که نگاه می‌کنم دانش عمیق و بینش وسیع
فرهنگ‌نگار را به عین و عیان می‌بینیم



کریم امامی

حق شناس و دکتر حسین سامعی و خانم دکتر نرگس انتخابی است، که با مهر و ارادت بسیار و اعتقاد علمی به ارج و اعتبار این مرجع ماندگار و معتبر نوشته شده، و قرار است در یادنامه آن بزرگمرد - به جمع و تدوین جناب عباس مخبر - درج گردد و اینک در پایان مرحله حروفنگاری است. درینا که نقد و نظر شاگردانه‌ای که در این مقاله برای فرهنگ بی‌همتای فارسی - انگلیسی شادروان کریم امامی می‌نگارم، نه در جشن‌نامه و در زمان حیات، بلکه در یادنامه آن فرهنگ‌نگار و فرهنگ‌پژوه بزرگ، به جمع و تدوین آقای علیرضا اکبری معاون سردبیر نشریه تخصصی مترجم انتشار می‌یابد.

از خود گفتن را بر من ببخشید. شاید می‌خواهم بگویم که شاگرد آن بزرگان نیز در این زمینه‌ها فاقد سابقه و تجربه نیست و به اصطلاح، به نوعی درس پس می‌دهد؛ و طبعاً به شعر معروف: دیگران کاشتند و ما خوردیم / همه برزیگران یکدگریم، اعتقاد دارد.

اعتقاد علمی، و علاقه عاطفی که به استادانم علی‌محمد حق شناس و کریم امامی داشته‌ام، و تا زنده‌ام خواهم داشت، امری پوشیده و پنهان نیست و از سطر به سطر آن و این مقاله آشکار است.

امتیازات فرهنگ کیمیا

یکی از مسائل مهم علمی و اخلاقی که در اغلب نقدها مسلم گرفته، یا معقول و ناگفته می‌ماند، بیان وجوه اهمیت و امتیازات اثری است که نقد می‌کنند. من نیز با آن که چهل سال سابقه و پرکاری و پرنویسی در نقد کتاب دارم، در گذشته ایام دچار همین مسامحه مسلم انگاری امتیازات و ارزشمندی‌های آثار «منقود» گشته‌ام. اما در سال‌ها و کارهای اخیر، جبران مافات کرده‌ام. چنان که چندین و چند امتیاز مثبت و سراسری فرهنگ هزاره را در اوایل مقاله‌ام آورده‌ام. و گرنه صرف برشماری بی‌محابا و مدعیانه بعضی کمبودها و افتادگی‌ها و نقص‌ها و نارسایی - که در تاریخ کتاب و کتابت هیچ مرجعی در هیچ زمان و زبانی از آنها عاری نیست - نه علمی است، نه اخلاقی.

نقل است که مرحوم علامه محمد قزوینی، رحمه الله علیه، پس از دیدن ارج و عظمت جزوات اولیه لغتنامه دهخدا گفته بوده است که داشتن ده هزار فقره عیب و نقص در چنین اثر عظیمی معفو [بخشودنی] است. (نقل به مضمون).

یک شعر عربی معروف در مقدمه آثار بعضی از بزرگان قدیم درج می‌گردد که آوردن ترجمه آن مناسب مقام است:

روغن کنجد همه بیند صافی در درون شیشه‌هایش

غافلند از آسیا سنگی که سنگین بر سر کنجد افتاده

۱. اولین حسن فرهنگ کیمیا وضوح و شیوایی و خوش‌دستی و کاربرپسندی آن است. با حروف‌نگاری چند فونتی/قلمی و چاپ دو رنگ عالی‌اش، که از سوی نشر فرهنگ معاصر است. ۲. دوم به‌گزینی مدخل‌هاست، و به روز بودن آن، به نحوی که به ندرت تام ممکن است، به تعدادی لغت/مدخل عجیب و غریب و محجور برخورداریم که از واژه‌نامه‌های کهن برگرفته شده، و گویی آن‌گونه لغت‌ها مورد نیاز و گمشده کسی نیست. در دنبال این نکته، باید افزود که یک مقابله نیم ساعته این فرهنگ با فرهنگ متین، ولی قهراً قدیمی شده فارسی-انگلیسی شادروان سلیمان حییم، امروزه‌گرایی فرهنگ کیمیا، و از دور خارج شدن درصدی از واژگان (اعم از مدخل و معنی / معادل) فرهنگ عالی حییم را نشان می‌دهد. اگر این مقابله را با فرهنگ کهن‌تر استینگاس انجام دهیم، این درصد بسیار بیشتر است. در استینگاس بسیاری از ترکیب‌های ادبی و شعری و شعرگونه قدیمی و حتی باستانی دیده می‌شود. اما در دفاع از دو فرهنگ ارزشمند استینگاس و حییم می‌توان گفت آنها هم تابع زمان و زمانه و زمینه خود بوده‌اند. این سخن درست و این ایراد به بنده در این قول و قضاوت وارد است. و من نمی‌توانم بدانم که زبان روز، و فرهنگ زمانه آن دو فرهنگ چگونه بوده است. و چیزی که در آن تردید ندارم ارج و اعتبار والای آن دو فرهنگ است که به احتمال بسیار، جزو اصلی‌ترین منابع مرحوم امامی در تألیف کیمیا بوده است. چیزی که به قاطعیت می‌توانم گفت این است که شادروان امامی نسبت به واژگان جاری و رایج فارسی و معادل‌یابی - و در مواردی تعریف به جای معادل دادن - تعلق خاطری بیش از کهن‌گرایی بی‌دلیل داشته است.

اما یک واقعیت، در حال حاضر مقابله کردن این دو فرهنگ هم - اندازه (هر دو جلد ۱۰۰۰ صفحه در قطع وزیری، و دوستونی) را برایم دشوار می‌سازد؛ و آن این است که فرهنگ یک جلدی فارسی-انگلیسی حییم را خانم فاطمه مهرآذر عالمانه و سخت‌کوشانه ویراسته و روزآمد ساخته‌اند. مگر این که بتوان اصل ویرایش نشده (چاپ ۱۳۳۲ ش) این فرهنگ را از کتابخانه‌ها به دست آورد. اما با وجود این ویرایش همچنان درصد لغات قدیمی/ادبی و مهجور در فرهنگ حییم بالاست. و بنده سنت‌گرا نباید از آن نفی حکمت کنم.

اما اگر از نظر درج واژگان جدید، یا معنای جدید کلمات قدیم به کیمیا مراجعه کنیم، حساسیت زبانی مؤلف آشکار می‌گردد. به این مثال‌ها توجه فرمایید:

an art gallery

- نگارخانه

Subsidy

- یارانه

Subsidized

- یارانه‌ای

despot 2. a godless and arrogant

- طاغوت

non-profit-making

- غیرانتفاعی (بریتانیایی)

non-profit

(آمریکایی)

a private school

- مدرسه غیرانتفاعی

underprivileged

- مستضعف

a member of the under class

blood-money

- دیه

combatant - محارب برای این مدخل دو معادل آورده‌اند. اولی به معنای جنگجوست و برای دومی چون به واقع معادل انگلیسی و امروزی ندارند، این تعریف را به دست داده‌اند.

[Islam] sb who has taken up arms against an Islamic State

1. a monarchist 2. a royalist - سلطنت طلب دو معادل دارد:

این مثال‌ها را می‌توان تا چهل و پنجاه نمونه از واژگان نو ساخته، یا واژگان کهن که معنای جدید یافته‌اند ادامه داد. برای «تعزیر» و «ثارالله» که بسیار وابسته به فرهنگ‌اند، تعریف‌های دقیقی داده شده، مخصوصاً «ثارالله» که به درستی به «خون خدا» ترجمه نشده (بنده مقاله‌ای درباره «ثارالله» در دایرة المعارف تشیع نوشته‌ام). اما واژگان خیلی جدید مانند پول‌شویی money laundry، یا اسلام‌هراسی Islamophobia در این اثر وارد نشده، زیرا در سال‌های پس از تألیف و طبع این فرهنگ ساخته شده‌اند.

۳. امتیاز سوم فرهنگ کیمیا در این است که برای اغلب (تا حد ممکن) ضرب‌المثل‌ها معادل انگلیسی آنها را پیدا کرده و آورده‌اند. درصد اندکی هم که معادل نداشته، به ناگزیر کوتاه و روشن ترجمه شده است.

بنده درباره ضرورت ترجمه یا معادل‌یابی ضرب‌المثل به ضرب‌المثل دو نوشته دارم. یکی مقاله‌ای است به نام ضرب‌المثل‌های همسان در انگلیسی و فارسی که بیش از صد ضرب‌المثل از هر یک از دو زبان آورده‌ام. دیگری بحثی است درباره چگونگی ترجمه او بهتر از آن: معادل‌یابی [ضرب‌المثل‌ها که در کتاب جدیدالانتشار ترجمه‌کاوی (نشر ناهید، ۱۳۹۰) آمده است.

حال برای ملاحظه هنرمندی استاد کریم امامی در معادل‌یابی برای اغلب (و نه همه) مَثَل‌ها، چند نمونه از آنها نقل می‌کنیم:

absolutely nothing happened.

(یک آب از آب تکان نخورد.

البته این مورد، به ترجمه - و نه معادل‌یابی - بیشتر نزدیک است.]

(دو) شاهنامه آخرش خوش است.

all's well that ends well.

(سه) آتش دهن سوزی نیست.

It is nothing to write home about.

(چهار) نخود هر آتش بودن

To have a finger in every pie.

(پنج) دایهٔ مهربان تر از مادر

More Catholic than the Pope.

(شش) خنده بر هر درد بی درمان شفاست.

Laughter is the best medicine.

اینک، نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌ها، یا تعبیرات مثلی که ترجمه شده:

- خروس بی محل

cock / rooster that crows at the wrong time

- چپق کسی را کشیدن

to give sb a sound/ good beating

- علی بهانه گیر

a proverbial child who is never satisfied with what he is offered and always asks for sth else.

۴. امتیاز دیگر این فرهنگ در زمینهٔ معادل، و گاه ترجمهٔ اصطلاحات و تعبیرات محاوره‌ای و عامیانه و اصطلاحی است.

to build castles in the air

(یک) سودای خام پختن

serves him / her right

(دو) دنده‌اش نرم

to subject Sb to a sudden attack

(سه) پاچه گرفتن

to tempt Sb to do sth

(چهار) زیر پای کسی نشستن

to insist on doing sth

(پنج) هر دو پای خود را در یک کفش کردن

۵. امتیاز دیگر دقت در به دست دادن معادل‌ها (و نه ترجمه به جای معادل آوردن، که دربارهٔ آن نیز صحبت خواهیم کرد، و این امر در هرگونه فرهنگ‌نویسی - در هر زبان، و زمان، اعم از فرهنگ‌های خارجی - فارسی، یا فارسی - خارجی ناگزیر است).

a percussion grenade

(یک) بمب صوتی

making water – tight	- آب‌بندی
rationing	- جیره‌بندی
classification	- رده‌بندی
to scent / suspect sth	سه) بو بردن
sons of Adam, mankind, humankind	چهار) بنی آدم
a scholarship, a bursary	پنج) بورس تحصیلی (راتبه)
to award sb a scholarship	- بورس دادن
to win / receive a scholarship	- بورس گرفتن
the Stock Exchange	- بورس سهام و اوراق بهادار
No Honking!	شش) بوق زدن ممنوع!
suspicious (fig)	هفت) بودار
1. Paradise, 2. Heaven	هشت) بهشت [شاید کلمه دوم، با H (حرف بزرگ)
	دقیق‌تر باشد. وگرنه با h (حرف کوچک) به معنای آسمان هم هست].
avalanche	نه) بهمن
	- بهمن‌گیر

1. [adj] avalanche-prone

2. [n] a structures built to deflect avalanche, an avalanche shelter

ده) میان‌مایه
 [به معنای متوسط الحال. گویا کلمه میان‌مایه در این معنا را واژه‌پژوه و فرهنگ‌نگار نامدار جناب داریوش آشوری پیشنهاد کرده باشد، که فی الواقع معادل شیوا و شفافی است].
 منابع موجود یعنی فرهنگ‌های فارسی (به فارسی) مهم، یعنی لغتنامه دهخدا، فرهنگ فارسی (معین)، و جدیدتر از آنها فرهنگ بزرگ سخن (دکتر حسن انوری) هیچ کدام مدخل‌های میان‌مایه و میان‌مایگی را ندارند. اما فرهنگ هزاره (دکتر حق‌شناس و همکاران) میان‌مایه را نه در برابر mediocre، بلکه در برابر mediocrity آورده است. فرهنگ پویا (دکتر محمدرضا باطنی) به درستی آن را در برابر mediocre آورده است. فرهنگ خوب دیگر، فرهنگ نشر نو (محمدرضا جعفری) با آن که هر دو مدخل / واژه انگلیسی را دارد، معادل‌های میان‌مایه و میان‌مایگی را ندارد و چون در سه فرهنگ فارسی نامبرده این مدخل‌ها نیامده، و

از سوی دیگر چون آقای آشوری آنها را در فرهنگ علوم انسانی‌اش (چاپ اول ۱۳۷۴) پیش از سه فرهنگ انگلیسی-فارسی پیش گفته آورده است، به احتمال بسیار این واژه(ها) را ایشان ساخته و الحق شفاف و شیواست.

۶. آوردن تعریف‌های انگلیسی موجز در برابر بعضی کلمات که عمدتاً به خاطر تفاوت‌های فرهنگی، معادل بسیط یا مرکب انگلیسی ندارد. از جمله:

the act of penalizing sb for an offence / offense - تعزیر

For which there is no prescribed punishment in the Islamic law

a title given to Imam Hosein / Hussein - ثارالله

(the third Shiite Imam) after his martyrdom (ex tr. = He whose death will be avenged by God)

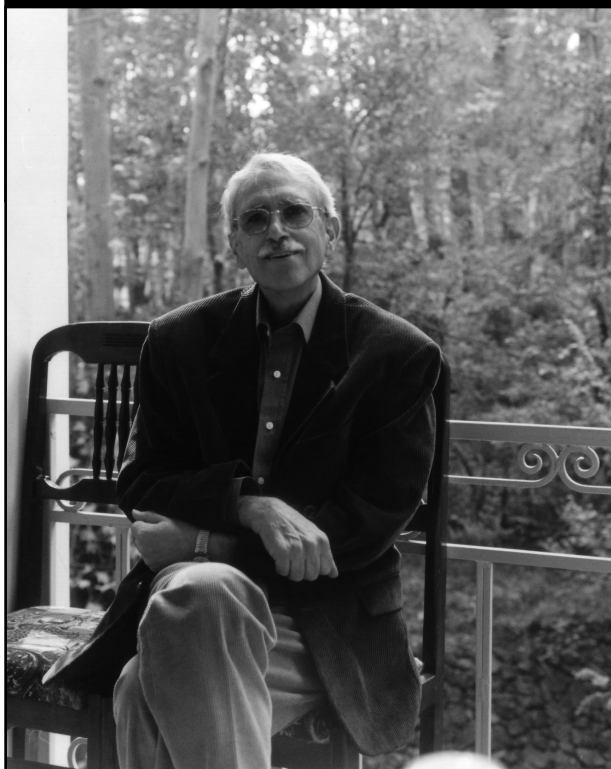
- چند مدخل / مثال دیگر را فقط نام می‌بریم: - بلغور کردن - پا دادن - مادر رضاعی - مغلوب / مغلوبه - مزید به علت - متعه - حج.

- استخاره هم از همین واژه‌هاست که با ۱۸ کلمه (در یک جمله بلند) معنای آن به دست داده شده، اما اگر آن را کمابیش با «سر کتاب باز کردن» مترادف بگیریم یک معادل مهم و معروف دارد: bibliomancy که در فرهنگ کیمیا نیامده است. مدخل «سر کتاب باز کردن» چون تا حدودی مهجور است در کیمیا نیامده. در فرهنگ فارسی-انگلیسی حیم، هم استخاره وارد شده (با تعریفی کوتاه‌تر)، هم «سر کتاب» که ضرورت نداشت، اما ذیل آن «سر کتاب باز کردن» آمده. در این اثر تعریف «سر کتاب» در حدود ۱۰ کلمه است که در میان آن از bibliomancy هم استفاده شده. حال آن که همین تک کلمه برای همه این سه معادل فارسی/عربی کافی است. مگر آن که بگوییم برای دقت بیشتر افزودن کلمه قرآن یا قرآنی در جنب این کلمه انگلیسی ضرورت دارد.

حاصل آن که مثال‌های بیشتر را می‌توان در خود کیمیا ملاحظه کرد که اغلب رسا و روشن و روشن‌گر است.

۷. دیگر از امتیازات مهم و مفید کیمیا، توجه به collocation (همجایی یا هم-آیی کلمات با هم، یا ذکر حروف اضافه لازم، قبل یا بعد از یک کلمه) است. این مسئله، جدیدترین دستاورد در فرهنگ‌نگاری انگلیسی (و شاید جهانی) است. و در فعال (active) سازی و آموزشی آن بسیار مؤثر است. ضرورت و فایده همجایی تا به حدی است که بخش فرهنگ‌نگاری و انتشارات دانشگاه آکسفورد فرهنگ مستقل collocation تدوین و طبع و منتشر کرده است.

محاسن و امتیازات کیمیا سراسری و ساختاری است، اما ایرادها، حتی اگر
وارد باشند، موردی هستند. ضمناً محسنات موردی این فرهنگ هم سر به
چند هزار مورد می‌زند



کریم امامی / عکس از کلی امامی

اینک چند مثال شامل پدیده همجایی / هم - آیی:

- به جای آن که در مقابل پنجر فقط puncture بیاید، این گونه آمده است:

punctured, with a flat tire

to have a puncture, to have a flat tire

- پنجر کردن

fixing a puncture, fixing a flat tire

- پنجر گیری

حتی یک اصطلاح عامیانه را هم آورده است:

You have a flat tire mister

- حاجی پنچری

delay, tardiness, procrastination

- تأخیر

to be delayed, to become overdue

- به تأخیر افتادن

[در اینجا به نظر می رسد که کلمه postpone هم خوب بود در مقابل تأخیر می آمد]

اما من عجله کرده و صفحه بعدی را ندیده ام که به دنبال منقولات بالا چنین آمده است:

to delay stb, to put off sth, to postpone sth

- به تأخیر انداختن

۸. امتیاز دیگر آوردن زیر مدخل های مناسب است. برای مثال:

1. history 2. a history book 3. date

- تاریخ

(of a letter etc) undated

- بدون تاریخ

bearing today's date, dated today

- به تاریخ امروز

the history of Europe

- تاریخ اروپا

the history of Iran in ten volumes

- تاریخ ایران در ده جلد

the date according to the Gregorian calendar

- تاریخ فرنگی

ancient history

- تاریخ باستان

the date according to the Iranian solar calendar

- تاریخ شمسی

the date according to Islamic lunar calendar

- تاریخ قمری

contemporary history, modern history

- تاریخ معاصر

البته می توان چنین ارزیابی کرد که این زیر مدخل های مفید و کارگشا به نوعی همان

همجایی است که غالباً چنین است. یک مثال دیگر:

1. money 2. the price or cost of sth

- پول

an advance payment, a deposit

- پول پیش

pocket money

- پول تو جیبی

tip, gratuity, baksheesh

- پول چای

- پول خُرد (small) change
- پول کاغذی paper money
- پول نقد cash, ready money
- پول پارو کردن to shovel up money
- پول علف خرس نیست [ضرب‌المثل] Money does not grow on trees.
- (ex tr. = Money is not beer grass)

نیز نگاه کنید به مدخل‌های آب، آزادی، بند، جنگ، روز، دوست. در ذیل بشقاب، هر دو معادل انگلیسی «بشقاب پرنده» آمده است.

و معادل برای چهارگونه بشقاب دیگر a flying saucer, a UFO
 ۹. امتیاز دیگر که در این مقاله آخر است، اما در فرهنگ کیمیا هفت- هشت امتیاز دیگر از دیدگاه فرهنگ‌نگاری علمی عصر جدید می‌توان یافت. این امتیاز آوردن مثال‌های روشن‌گر است که به نحو میانگین در هر صفحه دو ستونی، یکی آمده، و طبق عرف جهانی ایتالیک (و طبعاً فارسی آن‌ها ایرانیک) چاپ شده است.

اشاره به بعضی کمبودها

بنده از زمان انتشار چاپ اول این فرهنگ (در سال ۱۳۸۵) با آن انس گرفته‌ام، و دقت علمی و کاربرست بهترین و جدیدترین شیوه‌های فرهنگ‌نگاری را در آن تصدیق و تحسین می‌کنم. اگر عیب و نقص‌هایی هم در آن باشد، دادن پیشنهادهای اصلاحی برای رفع آنها در حد بضاعت ناچیز من در زبان انگلیسی یا فرهنگ‌نگاری نیست. مراد اصلی‌ام از نگارش این مقاله، که به گمانم خوانندگان ملاحظه کرده‌اند، طرح مزایا و محاسن و به ویژه روزآمدی و روش‌مندی و مشکل‌گشایی این مرجع است. هیچ فرهنگی نیست، اعم از انگلیسی به فارسی یا فارسی به انگلیسی که مدخل‌ها یا معادل‌های کمبودی یا حتی نادرست، در هر چند صفحه‌اش پیدا نشود.

استقبال خوبی که در بازار کتاب و فرهنگ از این اثر شده، که در عرض ۵ سال به چاپ هفتم رسیده است حاکی از درست و درمان بودن آن است.

نکات انتقادی و پیشنهادی که در اینجا می‌آورم برای تسهیل و پیرایش احتمالی آن، یا نگارش یک استاندارد ده-پانزده صفحه‌ای در پایان آن به قلم استاد دکتر علی خزاعی‌فر، ویراستار کوشای همین فرهنگ است.

با شناختی که همه ما از دقت و حتی وسواس و ریزبینی و نکته‌سنجی شادروان استاد

کریم امامی داریم، شک نداریم که اگر حیات طیبۀ پربار و برکت او ادامه داشت، تاکنون، یعنی پس از چند چاپ اول، آن را پیراسته‌تر و ویراسته‌تر می‌کرد. دروغا که حتی فرصت نگارش مقدمۀ دلخواه‌اش را نیافت، از یادداشت کوتاه همسر فریخته‌اش سرکار خانم گلی امامی - که امروز از بهترین مترجمان و اهل قلم کشور ماست - برمی‌آید که همین فرهنگ یک جلدی و اندکی کمتر از هزار صفحه‌ای، در حدود هفده سال زمان برده است. و چون اشاره شده که "هفت سال تمام، قسمت عمدۀ وقتش را، پشت کامپیوتر، صرف تکمیل آن کرده است" احتمال می‌توان داد که به جای دستنویس عادی، لوح فشرده‌نهایی به ناشر تحویل داده باشد. اینک نمونه‌هایی از کم و کاستی‌ها، بی آنکه پیشنهادهای اصلاحی خود را همواره و همه جا درست(تر) بدانم.

۱. به‌نژادی. اسم (=اصلاح‌نژاد) به جای معادل، دارای تعریفی در یک سطر و نیم است. مراد از سطر در این مقاله سطر کوتاه یعنی یک ستونی است. اما به نظر می‌رسد که این کلمه / اصطلاح، در انگلیسی معادل جا افتاده معروفی دارد: eugenics (که طبعاً s پایانی آن هم اسم‌ساز است). بهتر است در این مورد و موارد، برای روشن‌سازی بیشتر مسئله به فرهنگ‌های معتبر متداول رجوع کنیم.

- فرهنگ هزاره چنین مدخل و معادلی دارد: بهسازی نژادی eugenics

- فرهنگ پویا (۲ جلدی، اثر دکتر محمد رضا باطنی و دستیارانشان): به ° نژادی، به نژادشناسی eugenics.

- فرهنگ نشر نو (یک جلد، اثر محمد رضا جعفری) این مدخل را ندارد.

- دانشنامۀ دانش گستر، در برابر آن: بهسازی نژاد آورده است.

۲. کلمۀ euthanasia در اغلب فرهنگ‌های یک و دو زبانه وجود دارد. معنای لازم آن «آسان‌میری» و متعدی آن «آسان‌میرانی» [از میراندن، متعدی مردن است]. این کلمه نه فقط مهجور نیست. بلکه در دهه‌های اخیر در محافل پزشکی و حتی حقوقی و روشنفکرانه مشهور است. و به اصطلاح امروز «ادبیات» [منابع و متون] راجع به آن در رسانه‌ها بسیار است. مراد از آن قتل از روی ترحم است. یعنی از زجر و رنج رها کردن بیماران خاص که بیماری‌شان عذاب‌دهنده و فوق تحمل و طاقت بشری است که خود و در مواردی خویشان آنها از پزشک یا اولیای بیمارستان درخواست دارند که از روی بشر دوستی آنان را بکشند و در واقع از تحمل شکنجۀ بی‌حاصل، در شرایطی که علم پزشکی امروز از مداوای آنان ناتوان است، خلاص کنند. این کلمه با یک تورق، در ذیل مرگ، قتل، کشتن، آسان، و چند کلمۀ کلیدی دیگر، در فرهنگ کیمیا پیدا نشد. معادل این کلمه در فرهنگ هزاره چنین آمده است: کشتن از روی ترحم.

در فرهنگ پویا: ا. به میرانی (از فعل قدیمی «میرانیدن») ۲. به کُشی، آسان کُشی، قتل ترحمی (= کشتن بیمار برای نجات او از درد و رنج). در فرهنگ نشر نو: قتل با / از روی ترحم، قتل ترحمی، قتل نجات بخش = [قتل بیماران لاعلاج به منظور پایان دادن به درد و رنج آنها] مطمئنم که خوانندگان فرهیخته این مقاله، این واژه انگلیسی را می‌شناسند. از سه فرهنگ معتبر و متداول هم نقل شد، تا هم معنای آن روشن‌تر شود، و هم ضمناً میزان رواج آن. و از حساسیت و همت استاد امامی در درج واژگان جدید و مطرح، همه با خبریم، و نمونه‌های حاکی از آن هم در اوایل مقاله نقل شد.

۳. در برابر نشئه چند معادل و یک مثال آمده است. اما یک معادل جدی و معروف و اساسی، یعنی euphoria نیامده است. جای شگفتی است که در سه فرهنگ انگلیسی-فارسی (هزاره، پویا، و نشر نو) هم معادل‌های دیگر آمده، مگر نشئه. در فرهنگ فارسی-انگلیسی حییم، در مقابل «نشئه» چنین نوشته شده: صورت تحریف شده «نشوه»، که حق با اوست. و در برابر «نشوه» چندین معادل آمده، اما euphoria نیامده است.

۴. اتحادیه اروپا European Union در سه فرهنگ مشورتی آمده، اما در کیمیا وارد نشده است. اما در برابر «یورو»، Euro آمده، و سپس یک تعریف، که در آن، ترکیب دو کلمه‌ای European Union به کار رفته است. پس چون اتحاد شوروی سابق آمده، می‌توان انتظار داشت که خوب بود اتحادیه اروپا هم وارد می‌شد.

۵. ترجمه در برابر این کلمه دو معادل مشهور translation و rendering آمده، ولی یک معادل مهم دیگر یعنی interpretation نیامده. اگر بگوییم کلمه اخیر معادل تفسیر است، درست است. اما درست‌تر این است که: معادل تفسیر هم هست. اگر بگویید این کلمه معادل ترجمه شفاهی یا ترجمه همزمان است، در عین آن که حرف شما را تصدیق می‌کنم، می‌افزایم که ذیل «ترجمه» در فرهنگ کیمیا ۱۰ کلمه مربوط به ترجمه و معادل انگلیسی آنها آمده: ترجمه آزاد، ترجمه ادبی، ترجمه تحت اللفظی، ترجمه رسمی، ترجمه شعر [خوب بود در همین ردیف، ترجمه شعری / منظوم هم می‌آمد]. ترجمه شفاهی با این معادل [oral translation] که درست است، و اغلب interpretation در این معنا هم به کار می‌رود و درست در همین جا این کلمه در کیمیا به این صورت ظاهر شده [interpreting for sb]، ترجمه غیررسمی، ترجمه همزمان، حق الترجمه، دارالترجمه، و البته در برابر هر کدام معادل درست و دقیق انگلیسی هر یک آمده است. سه کلمه دیگر در ارتباط با ترجمه هست که چون کیمیا فرهنگی نسبتاً کم حجم است، نیامدن آنها در این فرهنگ، ناشی یا حاکی از کمبود آن نیست. یکی paraphrase (ترجمه عبارت به عبارت، ترجمه مخلص و دقیق‌تر از

آنها: نقل به معنا). دیگر mistranslation: ترجمه نادرست / نامناسب / نادقیق؛ و سومی: overtranslation: افراط / اطناب در ترجمه؛ ترجمه زیادتیر / درازتر از متن اصلی به نحوی غیردقیق. این کلمه فحوای منفی دارد. لذا به آن ترجمه تفسیری که فحوای مثبت دارد هم نمی‌توان گفت. یعنی افزوده‌هایی دارد که در جهت بیان مراد مؤلف / صاحب متن نیست، بلکه حاکی از برداشت‌های - غالباً بی‌اعتبار - مترجم است.

کلمه چهارمی هم در این زمینه به یاد می‌آید: ترجمه (نا) پذیری (un) translatability البته چنان‌که گفته شد نبودن این‌ها در فرهنگ کیمیا قابل انتظار است و ایرادی بر آن نیست. ضمناً ناگفته نماند که استاد امامی، در برابر «مترجم»، و نیز زیر مدخل آن یعنی مترجم شفاهی، کلمه interpreter را به کار برده است.

۶. ناجی. این غلط مشهور هم در کیمیا و هم در چند فرهنگ دیگر راه پیدا کرده است. از جمله در هزاره در برابر کلمه انگلیسی Saviour که نجات دهنده، ناجی و منجی آمده. این کلمه انگلیسی اگر با S بزرگ باشد لقب حضرت عیسی است. در فرهنگ پویا: نجات دهنده، رهاکننده، ناجی، و در فرهنگ نشر نو: ۱. رهاکننده، نجات دهنده، منجی، ناجی ۲. [مسیحیت] عیسی مسیح آمده است. شادروان حیییم که نسبت به غلط‌های مشهور توجه و حساسیت داشت در فرهنگ بزرگ انگلیسی- فارسی‌اش (یک جلدی، با ویرایش بعدی) در برابر Saviour چنین آورده است: رهاکننده، نجات دهنده، ناجی، منجی. این فرهنگ چون بعداً به دست دیگران ویرایش شده، ممکن است «ناجی» را ویراستار افزوده باشد. وگرنه در فرهنگ کوچک‌تر فارسی- انگلیسی‌اش، هم معنای درست آن را آورده و هم نکته‌ای توضیحی و کوتاه در جهت روشن‌سازی ذهن واژه‌جو افزوده است، به این صورت: ناجی one who escapes or is saved و پس از آن دو تعریف در داخل پرانتز (منجی: erroneously used for).

مرحوم امامی به تلفظ‌های چندگانه - البته غالباً دوگانه - همواره تصریح دارد. مثلاً در برابر «استوا» اول استوا و سپس استوا را بدون توضیح به دست داده؛ یا احیا را به درستی احیا (به کسر اول) آورده است. و در مورد ناجی، کلاً چنین می‌یابیم: [«ناجی» اسم. جمع: سه‌ها، سه ان (= نجات دهنده) a saviour, a rescuer]

در اینجا ممکن است دو ایراد بگیرند (۱) ناجی چه اشکالی دارد؟ (۲) اگر هم ایراد دارد چون غلط مشهور است، کاربرد آن رواست. چنان‌که فی‌المثل همه ما می‌گوییم: «من به او مظنون / مشکوک هستم». و هیچ کس نمی‌گوید «من به او ظان / شک هستم». پاسخ به این مسئله به دیدگاه زبانی / زبان‌شناسی ما مربوط است. یکی از دوستان، لابد با قبول درستی کاربرد تنوین بر روی کلمات فارسی و حتی فرنگی بر قاعده تلفن، یا تلگرافاً گفته بود: من به شما ای- میلاً

جواب می‌دهم. در آن صورت لابد کاربرد زبانا، جانا و خانودتا هم روا می‌شود. اما علت کاربرد نادرست ناجی به جای منجی این است که کاربران پیش خود قیاس می‌کنند که نجات یعنی رهایی و اسم فاعل آن یعنی نجات دهنده، می‌شود ناجی. مثل قضا/ قاضی، حکمی - یحکمی/ حاکمی، آذی/ آذی؛ کفی/ یکفی/ کافی. این مثال‌ها درست است. اما قیاس با آنها نادرست است. زیرا آنچه به عنوان مثال نقل شده، فعل متعدی است. و نجی/ نجات/ ناجی فعل و اسم فاعل لازم است. لذا همان‌گونه که باقی یعنی بقا یافته، ناجی هم یعنی نجات یافته، رهیده/ رهایی یافته، و نه رهایی دهنده یا رهایی بخش.

و چون این قصه سر دراز دارد، و امروزه اهل زبان به دو دسته، یکی طرفدار صحت و اصالت کاربرد عملی، و دیگری از جمله استاد ابوالحسن نجفی صاحب کتاب مشهور غلط نویسیم و عده‌ای هم‌نظر با ایشان و بنده طرفدار صحت دستوری، و به اصطلاح پیرایشگر هستند، باید گفت: لکم دینکم ولی دین.

۷. نامشروع. در برابر این کلمه در کیمیا دو معادل آمده است: illicit و unlawful به نظر می‌رسد جا داشت که معادل سوم و چهارم هم بیاید: illegitimate. چنان که در حییم بزرگ یک جلدی [و نه در کوچکتری که هم‌تا و هم‌پای کیمیاست] در برابر این کلمه سوم، چند معادل از جمله نامشروع آمده است. همین وضع در فرهنگ هزاره، فرهنگ پویا، و فرهنگ نشر نو هم برقرار است. همچنین معادل illegal هم برای آن مناسب است.

۸. متعه. در مقابل این کلمه یک معادل و یک تعریف آمده که هر دو خوب است. اما یک معادل عالی در زبان انگلیسی دارد، البته باید تفاوت فرهنگی را در نظر داشت. آن کلمه concubine است که در فرهنگ اینکارتا در مقابل آن نوشته است: official mistress. کمابیش یعنی رفیقۀ رسمی. از سوی دیگر در فرهنگ هزاره، و حییم، به عنوان دومین معادل، و در فرهنگ پویا، و فرهنگ نشر نو به عنوان اولین معادل در برابر concubine، متعه آمده است.

۹. درونداد / برونداد. این دو کلمه نوساختۀ فارسی در برابر input / output انگلیسی است. در کیمیا درونداد آمده، ولی حیف است که برونداد نیامده است.

۱۰. امر خیر. امر خیر در معنی اصطلاحی‌اش به عنوان ازدواج آمده، و بسیار عالی است، ولی امر خیر فقط به معنای ازدواج نیست. معنای دیگر و شاید اصلی آن هم که به معنای کار خیر و نیکوکاری است خوب بود می‌آمد. چنان که فی‌المثل سخنرانی که می‌خواهد برای تأسیس یا اداره‌ی بهتر خانه‌ی سالمندان، یا مهدکودک یا مسجد یا نظایر آنها اعانه جمع کند در پایان سخن‌اش

می‌گوید: از حاضران محترم انتظار داریم با کمال لطف و همت عالی‌شان در این امر خیر شرکت کنند. معادل انگلیسی آن را می‌توان charity یا philanthropy یا نیز واژه دیگر آورد. ۱۱. دو نمونه بسیار نایاب از غلط چاپی. در کمتر فرهنگی، غلط علمی و چاپی این همه کمیاب است. تا اینجا و پس از گزیده خوانی دراز مدت این فرهنگ، فقط به دو مورد غلط تاپی برخوردیم که در اینجا ثبت می‌کنم تا در تجدید چاپ بعدی برطرف شود؛ و کسانی هم که چاپ اول تا هفتم را دارند آن را در نسخه خودشان اصلاح کنند.

۱) در مدخل پیشگفتار، در برابر آن چند معادل آمده، یکی از آنها به صورت forward آمده، که درست نیست. صورت درستش foreword است. ۲) در مدخل نیهیلیستی معادل انگلیسی آن به صورت hihilistic آمده که پیداست حرف اول، به جای h (اچ) باید n (ان) باشد. این خرده‌بینی را تعمیم ندهید. بنده به عنوان کسی که شاید در مجموع یک دور این فرهنگ کیمیا اثر را خوانده باشم، در واقع غیر از این دو مورد، یک واو، یا ویرگول که جابه‌جا شده باشد، در سراسر آن ندیده‌ام.

۱۲. در زیر - مدخل [= مدخل فرعی] «احضار»، احضار ارواح آمده است که به جای معادل، تعریف دقیقی برای آن عرضه شده است. می‌توان گفت Spiritualism یکی از بهترین معادل‌های آن است. مؤید صحت آن این است که در هر سه فرهنگ انگلیسی-فارسی، که منابع مشورتی در نگارش این مقاله‌اند، در برابر این واژه انگلیسی، معادل احضار ارواح هم آمده است.

۱۳. بیگانه هراسی. این واژه نو ساخته فارسی در برابر xenophobia درست شده است. در فرهنگ کیمیا، این کلمه انگلیسی، یا مدخل بیگانه هراسی نیامده، با آن که امروزه در مقالات و مباحث سیاسی، کاربرد و بسامد بسیاری دارد. فقط در ذیل مدخل «خارجی»، زیر - مدخلی به صورت «احساسات ضد خارجی» (= بیگانه ستیزی) آمده است، که به این ترتیب برجستگی‌اش از دست رفته است. ضمناً پسوند -phobia همواره «هراسی» است، نه «ستیزی». ۱۴. خارج-خواندن. اصطلاحی موسیقایی است که به این هویت، در کیمیا تصریح شده، و معادل آن چنین آمده است:

To sing out of tune

اما به نظر می‌رسد، معادل فرهنگ هزاره درست‌تر، یعنی اصلاحی‌تر است:

[to [sing a false note

نتی را خارج خواندن، فالش خواندن

۱۵. بازاندیشی. در مقابل این مدخل معادل rethinking آمده که خوب و کاملاً درست است.

ولی غیر از همین تک معادل، می‌توان معادل‌های دیگر هم آورد. از جمله reflection یا revision.

سخن آخر

از ظرافت و سنجیدگی و بهگزینی‌های این فرهنگ، در بخش اول این مقاله سخن گفتم و نمونه آوردم. به هر صفحه و هر مدخل که نگاه می‌کنم دانش عمیق و بینش وسیع فرهنگ‌نگار را به عین و عیان می‌بینیم.

درباره کمبود و نداشتن بعضی مدخل‌ها، یا بعضی معادل‌ها، از هر صفحه هر فرهنگ دو زبانه می‌توان نمونه‌های بسیار به دست داد. باید بیاموزیم که بیشتر از «نداشته‌ها»ی هر فرهنگ که یک ده هزارم «داشته»‌های آن است، از وجود موجودی‌ها راضی باشیم و بهره ببریم. در نقد و نظری که درباره فرهنگ هزاره، چند ماه پیش نوشته‌ام، و در یادنامه روانشاد دکتر علی محمد حق‌شناس، زیر چاپ است، مشروحاً آورده‌ام که هر فرهنگی، با هر حجم، کم و کاستی دارد، حق فرهنگ عظیم بیست جلدی OED در قطع رحلی بزرگ سه ستونی، که با احتوا به بیش از پانصد و پنجاه هزار مدخل اصلی، بزرگترین فرهنگ زبان انگلیسی، و شاید بزرگترین فرهنگ علی‌الطلاق است همین حکم را دارد، و بنده در طی سال‌ها کار کردن با آن چندین و چند واژه که قاعدتاً می‌باید می‌داشت در آن نیافته‌ام. یعنی نداشته است. و شنیده‌ام که در سال‌های اخیر مستدرکی برای آن تدوین کرده‌اند.

باری در یادداشت‌های انتقادی من صدها حسن و ده‌ها ایراد درباره فرهنگ کیمیا یادداشت شده، اما اگر بیش از این مثال بیاورم حوصله خوانندگان سر خواهد رفت. این عزیزان توجه دارند که محاسن و امتیازات کیمیا سراسری و ساختاری است، اما ایرادها، حتی اگر وارد باشند، موردی هستند. ضمناً محسنات موردی این فرهنگ هم سر به چند هزار مورد می‌زند. قصد اصلی من از نگارش این مقاله، برشمردن امتیازاتش بود که آن را نمونه نمایان و عالی فرهنگ‌نگاری دو زبانه عصر جدید گردانده است. این همه ذوق و ظرافت زبانی و باریک‌بینی و توجه به زبان زنده، و زندگی زبان در کمتر فرهنگی دیده‌ام. اگرچه سه فرهنگ مشورتی در این کار، یعنی هزاره، پویا، و نشر نو هم هر یک آیتی در دقت و صحت و واژه‌پژوهی و واژه‌نگاری درست و علمی‌اند. اینها ذخائر ارزشمند فرهنگی این روزگارند. و پس از گذشت ده‌ها هم، به جای آن که کهنه شوند، به مانند فرهنگ‌های حییم، و استینگاس، کلاسیک و همچنان ماندگار خواهند شد. 